

The Islamic Republic of Iran and Foreign Language Learning Policies: Today's Challenges and Future Plans

Received: 2019-12-01

Accepted: 2019-11-18

Seyead Aliasghar Soltani *

Seyed Abdolmajid Tabatabaei Lotfi **

The purpose of the present study was to investigate foreign language instances in Iran, prioritize them in the future of the system, their educational background, the evolution of their future education process, and the most important foreign language roles in the future horizon of the system. In this regard, the roles of language, the national documents of the Islamic Republic of Iran and the problem of language, different approaches to describing and analyzing English language and applied research in the educational and cultural context of Iran were studied by descriptive-analytical method. The results show that foreign language is not limited to a particular language, although some languages may have priority. The Arabic language has its own priority, independently of its special status. The most important linguistic roles in the future of the supply and demand system of knowledge and information will remain. Permanently monitor and modify foreign language educational policy and planning, in particular on the advice of the Supreme Leader in the Second Step Statement on Science and Research, updating teaching methods, the



* Associate Professor, Faculty of English Language, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (soltani@bou.ac.ir).

** Assistant Professor, Faculty of English Language, Qom Azad University, Qom, Iran (magidtabatabaei@gmail.com).

potential of experts in various disciplines, enhancing research processes and achievements in this field, The proliferation of translation activities, the use of modern technologies, and the role of internationalization of the functions of foreign languages as human assets, not just a specific regional mother tongue, are areas that need attention in the future horizon of the system.

Keywords: Foreign Languages, English Language, Language Learning, International Language.



Abstracts

جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌گذاری فراگیری

زبان‌های خارجی:

چالش‌های امروز و برنامه‌ریزی‌های آینده*

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۸/۸/۲۷

سیدعلی اصغر سلطانی**

سیدعبدالمجید طباطبایی لطفی***



جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌گذاری فراگیری زبان‌های خارجی...

هدف پژوهش حاضر، بررسی مصداق‌های زبان خارجی در ایران، اولویت‌بندی آن‌ها در آینده‌ی نظام، سابقه‌ی آموزش آن‌ها، تحول فرایند آموزش آن‌ها در آینده و مهم‌ترین نقش‌های زبان‌های خارجی در افق آینده‌ی نظام است. در این راستا، نقش‌های زبان، اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران و مسأله‌ی زبان، رویکردهای مختلف برای توصیف و تحلیل زبان انگلیسی و تحقیقات کاربردی صورت‌گرفته در بافت آموزشی و فرهنگی ایران با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهند منظور از زبان خارجی محدود به زبان خاصی نیست؛ هرچند برخی از زبان‌ها می‌توانند از اولویت برخوردار باشند. زبان عربی با توجه به جایگاه ویژه‌ای که دارد، به‌طور مستقل از اولویت برخوردار است. مهم‌ترین نقش‌های زبانی در آینده‌ی نظام عرضه و تقاضای دانش و اطلاعات باقی خواهند ماند. پایش و اصلاح دائم سیاست و برنامه‌ریزی آموزشی زبان‌های خارجی به‌خصوص برپایه‌ی توصیه‌های مقام معظم رهبری در بیانیه‌ی گام دوم در رابطه با علم و پژوهش، روزآمد کردن شیوه‌های آموزش، پتانسیل موجود در کارشناسان این رشته در گرایش‌های مختلف، ارتقای فرایند و دستاوردهای پژوهشی در این حوزه، گسترش فعالیت‌های ترجمه، استفاده از فناوری‌های مدرن و ایفای نقش در گستره‌ی بین‌المللی

* این مقاله مربوط است به همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» که در دفتر تبلیغات اسلامی در بهمن ۱۳۹۸ برگزار خواهد شد.

** دانشجویار، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (soltani@bou.ac.ir).

*** استادیار، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) (magidtabatabaee1@gmail.com).



کارکردهای زبان‌های خارجی به مثابه دارایی بشر، نه صرفاً زبان مادری منطقه‌ای خاص، از جمله‌ی زمینه‌هایی است که نیازمند توجه در افق آینده‌ی نظام می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی، بیانیه گام دوم، برنامه‌ریزی زبانی.

مقدمه

زبان، ارتباط تنگاتنگی با هویت‌یابی فردی و مشروعیت‌یابی سیاسی دارد. اگر شیوه‌های اعمال و جریان قدرت در جامعه را به دو شکل سخت و نرم تقسیم کنیم، یکی از مهم‌ترین مجراهای جریان نرم قدرت در هر جامعه‌ای از طریق نظام نشانه‌ای زبان است. زبان سازوکارهای لازم برای جریان نرم قدرت را در اختیار نظام‌های سیاسی قرار می‌دهد؛ از این رو بهترین ابزار ایجاد و گسترش مشروعیت است. به دلیل همین قابلیت، زبان عرصه‌ی جنگ نرم بین گفتمان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز هست. فارغ از ابعاد سیاسی درون-کشوری زبان، که دربرگیرنده‌ی مباحث و منازعات مربوط به زبان ملی و رسمی و تقابل آن با زبان‌ها و گویش‌های محلی می‌شود، ابعاد بین‌المللی زبان و قرارگرفتن زبان ملی در تقابل با زبان‌های خارجی نیز در همه‌ی جوامع، امر بسیار مهمی محسوب می‌شود. از آنجایی که جریان نرم قدرت - به‌عنوان بهترین شکل گسترش قدرت بدون خشونت - در دل زبان روی می‌دهد، همه‌ی کشورها و تمدن‌های بزرگ سعی می‌کنند زبان ملی خود را در سطح جهانی گسترش دهند و به‌این طریق به گسترش فرهنگ خود پردازند.

در این میان، زبان انگلیسی و گسترش کاربرد آن در سطح جهان یکی از مجراهای ایجاد سلطه‌ی نرم توسط کشورهای انگلیسی‌زبان مانند انگلستان و آمریکا بوده است. از روش‌های مختلفی مانند فیلم‌های سینمایی، ادبیات داستانی، کتاب‌های آموزشی و غیره این کشورها در دوره‌ی مدرن به‌راحتی گستره‌ی نفوذ و سلطه‌ی خود بر فرهنگ‌های دیگر را افزایش دادند و باعث نابودی و تضعیف فرهنگ‌های محلی شدند. گسترش جهانی‌سازی فرهنگ غربی از طریق زبان انگلیسی در سال‌های اخیر باعث شکل‌گیری مقاومت‌هایی شده است. در همین راستا مقام معظم رهبری در دیدار با معلمان و فرهنگیان فرمودند: «فکر خودشان را ترویج می‌کنند؛ فرهنگ خودشان را ترویج می‌کنند؛ زبان خودشان را ترویج می‌کنند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۲/۱۳)

اما آیا این سخن بدان معناست که باید جلوی آموزش زبان انگلیسی در ایران گرفته شود؟ قطعاً چنین نیست. اگر زبان انگلیسی مجرای قدرت نرم غرب است، می‌تواند سازوکاری برای گسترش فرهنگ اسلامی نیز باشد. از این رو، هم امام خمینی هم مقام معظم رهبری بر لزوم فراگیری زبان‌های خارجی برای گسترش فرهنگ اسلامی تأکید کرده‌اند.

یادگیری زبان‌های خارجی یکی از قدرت‌مندترین ابزارهایی است که برای درک بهتر و ارتباطات قوی‌تر با دیگر نقاط جهان ضروری است؛ این امر در ایران همواره دو متولی اصلی داشته است: یکی بخش سیاست‌گذاری نظام حاکم، و دیگری بخش نهادهای خصوصی و مردمی.

به‌طور معمول، تلاش برای تغییر شکل، عملکرد یا جایگاه یک زبان، به‌عنوان نمونه‌هایی از برنامه‌ریزی زبانی^۱ تلقی می‌شود. از آن جایی که برنامه‌های مربوط به تغییر زبان‌ها شامل تصمیم‌گیری‌های سیاسی است، مسائل برنامه‌ریزی زبان با مسائل سیاست‌های زبانی^۲ درهم تنیده است و اغلب از آن به‌عنوان "سیاست‌گذاری زبانی" یاد می‌شود (وارداف و فولر، ۲۰۱۵). هورنبرگر^۳ می‌گوید: رابطه‌ی بین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی پیچیده است؛ برنامه‌ریزی همیشه به سیاست‌گذاری منجر نمی‌شود و البته برعکس این امر نیز صادق است و این‌ها فرایندهای به‌هم‌پیوسته‌ای هستند.

با توجه به اهمیت جایگاه آموزش زبان‌های خارجی در افق آینده‌ی نظام، این مقاله درصدد است از طریق روش تحقیق-توصیفی به این سوال‌ها پاسخ دهد که منظور از زبان خارجی چیست؟ کدام‌یک از زبان‌های خارجی در افق آینده‌ی نظام از اولویت آموزش و اشاعه برخوردارند؟ سابقه‌ی آموزش زبان‌های خارجی در ایران چگونه بوده است؟ فرایند آموزش زبان‌های خارجی در افق آینده‌ی نظام با گذشته چه تفاوت‌هایی خواهد داشت؟ مهم‌ترین نقش‌هایی که برای زبان‌های خارجی در افق آینده‌ی نظام می‌توان در نظر گرفت، کدام‌اند؟

1. language planning.
2. language policies.
3. Hornberger.



۱. پیشینه‌ی ادبیات

مرور پیشینه‌ی ادبیات در این مقاله دارای چهار بخش است: «نقش‌های زبان»، «اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران و مسأله‌ی زبان»، «رویکردهای مختلف در توصیف و تحلیل زبان انگلیسی» و «تحقیقات کاربردی صورت گرفته در بافت آموزشی و فرهنگی ایران».

۱,۱. نقش‌های زبان

یاکوبسون^۱ (۱۹۶۰)، لیچ^۲ (۱۹۷۴) و هلیدی^۳ (۲۰۰۲) از پژوهشگران به‌نام در حوزه‌ی نقش‌های زبان هستند. هلیدی، هفت نقش کلی برای زبان در نظر گرفته است که عبارتند از: ابزاری،^۴ نظارتی،^۵ تعاملی،^۶ شخصی،^۷ اکتشافی،^۸ تخیلی^۹ و اطلاع‌رسانی.^{۱۰} می‌توان نقش‌هایی را که هلیدی از آن‌ها نام برده است، به‌عنوان یک معیار کلی برای کاربردهای زبان در نظر گرفت؛ توجه به این معیار کلی در تدوین و تحلیل اسناد بالادستی (سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه‌ی درسی ملی) و هم‌چنین تدوین برنامه‌های آموزشی و ارزیابی وضعیت زبان‌های خارجی در کشور مفید است.

۱,۲. اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران و مسأله‌ی زبان

اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌ی زبان، شامل متن قانون اساسی و برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران است. اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد:

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتاب‌های درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی

1. Jakobson.
2. Leech.
3. Halliday.
4. Instrumental.
5. Regulatory.
6. Interactional.
7. Personal.
8. Heuristic.
9. Imaginative.
10. Informative.

آزاد است.

در اصل بعدی می‌خوانیم:

از آن جایی که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است، این زبان باید پس از دوره‌ی ابتدایی تا پایان دوره‌ی متوسطه در همه‌ی کلاس‌ها و در همه‌ی رشته‌ها تدریس شود.

تأمل در دو اصل یادشده نشان می‌دهد زبان فارسی، زبان اول کشور است؛ اما اشاره‌ی صریح و مستقیمی به جایگاه زبان عربی از دیدگاه تقسیمات زبانی در این دو اصل وجود ندارد. به‌علاوه، قانون اساسی در هیچ‌جای دیگری به مسأله‌ی زبان نپرداخته است. بنابراین، برای پی‌بردن به جایگاه زبان در نظام جمهوری اسلامی ایران باید به اسناد دیگری نیز مراجعه کرد.

سند دیگری که موضوع زبان در آن بیان شده است، برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسات ۸۵۷ الی ۸۷۲ شورای عالی آموزش و پرورش تاریخ ۹۰/۱۲/۹ الی ۱۳۹۱/۰۶/۲۸ است. این سند درباره‌ی زبان فارسی، زبان عربی و زبان‌های خارجی مطالبی را در خود گنجانده است. به‌عبارت‌دیگر، زبان‌ها در این سند به سه دسته تقسیم می‌شوند: زبان فارسی، زبان عربی و زبان‌های خارجی.

برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران در بند ۱-۸ عناوین حوزه‌های تربیت و یادگیری را مطرح کرده است؛ قسمت‌های مرتبط با زبان این بند به‌ترتیب عبارتند از: شماره‌ی ۲ «قرآن و عربی»، شماره‌ی ۳ «زبان و ادبیات فارسی» و شماره‌ی ۱۰ «زبان‌های خارجی». این برنامه در خصوص ضرورت یادگیری زبان عربی می‌گوید:

آموزش این زبان سبب می‌شود که مترجمان بتوانند از معارف اهل‌بیت و فرهنگ غنی اسلام استفاده کنند. ازسوی‌دیگر، زبان و ادبیات فارسی با زبان عربی درآمیخته است و آشنایی با زبان عربی در یادگیری زبان فارسی تأثیر خواهد داشت... آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه‌ی زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد. این دو حوزه‌ی محتوایی، ارتباط وثیقی با یک‌دیگر دارند و برنامه‌ریزی آن‌ها باید هماهنگ و مرتبط با هم صورت گیرد و از اهداف، محتوا و روش‌های مشترک و نیز مطالب مکمل و تاییدکننده هم‌دیگر استفاده مطلوب به‌عمل آید. (برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱، ص. ۲۲).





این سند همانند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت آموزش زبان عربی صحبت می‌کند، اما مشخص نمی‌سازد که از لحاظ فنی (زبان اول، دوم یا خارجی) این زبان از چه جایگاهی برخوردار است. هم‌چنین چنان‌که از قسمت‌های بعدی برمی‌آید، زبان عربی را جزو زبان‌های خارجی دسته‌بندی نمی‌کند.

ضرورت و کارکرد حوزه‌ی زبان

از آن‌جایی که مراودات اجتماعی تحت‌تاثیر تعاملات جوامع بشری و رشد فناوری، توسعه پیدا کرده و این دامنه هر روز افزایش پیدا می‌کند، برای برقراری ارتباط سازنده و آگاهانه، ضروری است دانش‌آموزان علاوه‌بر زبان مادری، که به آنان امکان تعامل در سطح روابط میان فرد (خانوادگی، محلی و ملی) را می‌دهد، توانایی برقراری ارتباط با سایر جوامع و دستاوردهای بشری را در سطح منطقه‌ای و جهانی دارا باشند. آموزش زبان خارجی علاوه‌بر کارکرد ارتباط میان‌فردی و بین‌فرهنگی، در توسعه‌ی اقتصادی مانند صنعت گردشگری، تجارت، فناوری، توسعه‌ی علم و هوشیاری اجتماعی سیاسی مؤثر است.

قلمرو حوزه‌ی زبان

آموزش زبان بر توانایی ارتباطی و حل مسأله تأکید دارد، به‌گونه‌ای که فرد پس از آموزش قادر به ایجاد ارتباط با استفاده از تمامی مهارت‌های چهارگانه‌ی زبانی (گوش کردن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) برای دریافت و انتقال معنا شود. برنامه‌ی درسی آموزش زبان باید دانش‌آموزان را با پیکره‌ی زبانی، واژگان و ساخت‌های مورد نیاز برای برقراری ارتباط مؤثر و سازنده در سطح جهانی آشنا سازد. آموزش زبان‌های خارجی از ابتدای دوره‌ی متوسطه‌ی اول آغاز می‌شود و هدف آن آموزش چهار مهارت زبانی و آشناسازی دانش‌آموزان با مهارت‌های ارتباطی در چارچوب جهت‌گیری‌های کلی مورد نظر خواهد بود. در دوره‌ی متوسطه‌ی دوم، دانش‌آموزان باید بتوانند متن‌هایی در حد متوسط را بخوانند و مفاهیم آن‌ها را دریابند. در ضمن توانایی نوشتن، در حد یک مقاله‌ی کوتاه به زبان خارجی نیز در آن‌ها تقویت شود و توانایی‌های لازم برای استفاده از منابع در حد متوسط و برقراری ارتباط به یکی از زبان‌های خارجی را داشته باشند.

آموزش به یکی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و یا سایر زبان‌هایی که شورای عالی آموزش و پرورش تصویب کند، ارائه خواهد شد.

جهت‌گیری‌های کلی در سازمان‌دهی محتوا و آموزش حوزه

آموزش زبان‌های خارجی باید از دایره‌ی تنگ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌های تدوین‌شده در جهان فراتر رود و به‌عنوان بستری برای تقویت فرهنگ ملی و باورها و ارزش‌های خودی در نظر گرفته شود. رویکرد آموزش زبان‌های خارجی، رویکرد ارتباطی فعال و خودباورانه است. در سطوح آغازین آموزش، محتوای آموزشی پیرامون موضوعات بومی و نیازهای یادگیرنده چون بهداشت و سلامت، زندگی روزمره، محیط اطراف و ارزش‌ها و فرهنگ جامعه در قالب‌های جذاب انتخاب و سازمان‌دهی می‌شود و در سطوح بالاتر انتخاب و سازمان‌دهی محتوای این حوزه به سمت کارکردهای فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و... متناسب با متون آموزشی سایر حوزه‌های یادگیری و در جهت تعمیق آن‌ها خواهد بود. در پایان دوره‌ی متوسطه‌ی دوم، دانش‌آموزان باید توانایی خواندن و درک متون ساده‌ی تخصصی و نوشتن مقاله را کسب کنند. در دوره‌ی متوسطه دوم گسترش دامنه‌ی واژگان رشته‌های تخصصی به درک بهتر متون و برقراری ارتباط علمی کمک می‌کند.

آن‌گونه که در متن فوق به‌صراحت بیان شده است، منظور از زبان خارجی در این سند ملی عبارت است از: «آموزش به یکی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و یا سایر زبان‌هایی که شورای عالی آموزش و پرورش تصویب کند، ارائه خواهد شد» (برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱، ص. ۳۸). در تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۱۹ تعداد ۵۷ نماینده‌ی مجلس طرح یک‌فوریتی را با عنوان "رفع انحصار از زبان انگلیسی در نظام آموزش همگانی کشور" به هیئت رئیسه‌ی مجلس ارسال کردند. براساس گزارش سایت تحلیل خبری عصر ایران، در مقدمه‌ی توجیهی این طرح با استناد به سخنان مقام معظم رهبری در اردیبهشت ۱۳۹۵ در خصوص آموزش زبان خارجی که فرمودند: «این اصرار بر ترویج زبان انگلیسی در کشور ما یک کار ناسالم است. ... آن‌وقت ما بیاییم زبان آن‌ها را خودمان با پول خودمان، با خرج خودمان، با مشکلات خودمان ترویج کنیم. این عقلایی است؟» و همچنین با توجه به عدم ضرورت تعلیم زبان خارجی به دانش‌آموزانی که به‌هردلیل به تحصیل دانشگاهی نخواهند پرداخت و تاثیرات نامطلوبی که اجبار به آموختن زبان خارجی می‌تواند در ضعف تحصیلی این گروه از دانش‌آموزان داشته باشد و از آن‌جایی که آموزش زبان در مدارس نسبت به آموزش در آموزشگاه‌های آزاد زبان کم‌تر موفقیت‌آمیز بوده و بهتر است که آموزش تمامی زبان‌های انگلیسی





و غیرانگلیسی از محیط مدارس خارج شده و از طریق آموزشگاه‌های آزاد صورت گیرد...، آمده است:

با هدف تحول آموزش زبان خارجی در آموزش همگانی کشور و هم‌چنین جهت رفع انحصار و ایجاد فرصت برای علاقه‌مندان به زبان‌های غیرانگلیسی، طرح رفع انحصار از زبان انگلیسی در نظام آموزش همگانی کشور به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود.

این طرح در ۶ ماده تهیه شد. ماده‌ی ۱ آن می‌گوید:

از تاریخ تصویب این قانون، آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزش همگانی کشور جنبه‌ی اختیاری خواهد داشت و وزارت آموزش و پرورش به شرحی که در ادامه‌ی این قانون خواهد آمد، مکلف است امکان آموزش سایر زبان‌های مهم بین‌المللی و منطقه‌ای را به‌صورت اختیاری فراهم آورد.

ماده‌ی ۳ می‌گوید:

از تاریخ تصویب این قانون آموزش و پرورش مکلف خواهد بود آموزش زبان‌های موضوع این قانون و زبان انگلیسی را صرفاً از طریق آموزشگاه‌های آزاد تحت نظارت آن وزارت و حداکثر معادل سه سال تحصیلی منحصراً برای دانش‌آموزان مقطع دبیرستان ارائه کند.

بنابر تبصره‌ی این ماده، «هزینه‌ی آموزش نیز بر عهده‌ی دانش‌آموزان خواهد بود». در ماده‌ی ۴ این طرح آمده است: «از تاریخ تصویب این قانون، استخدام به‌عنوان معلم برای آموزش زبان انگلیسی یا زبان‌های موضوع ماده (۲) این قانون از سوی وزارت آموزش و پرورش ممنوع می‌باشد». هم‌چنین براساس این طرح، ساعات کار معلمان موضوع این ماده در آموزشگاه‌های آزاد به‌عنوان ساعات موظفی مورد قبول آموزش و پرورش قرار خواهد گرفت.

با توجه به مطالب فوق، به‌نظر می‌رسد اولویت کنونی آموزش از میان زبان‌های خارجی در آموزش و پرورش با زبان انگلیسی است؛ به‌همین دلیل در ادامه به مرور رویکردهای مختلف برای توصیف و تحلیل این زبان رایج در سراسر جهان می‌پردازیم.

۲. رویکردهای مختلف برای توصیف و تحلیل زبان انگلیسی

در سه دهه‌ی گذشته شاهد رشد سریع علاقه به مطالعه‌ی زبان انگلیسی در سطح جهان بوده‌ایم تا جایی که در سال‌های اخیر، مجموعه‌ای از اصطلاحات برای اشاره به این زبان

مورد استفاده قرار گرفته است؛ از جمله: انگلیسی به‌عنوان یک زبان بین‌المللی،^۱ انگلیسی جهانی،^۲ انگلیسی بین‌المللی،^۳ گونه‌های بومی شده‌ی انگلیسی،^۴ انواع جدید انگلیسی،^۵ گونه‌های غیربومی انگلیسی،^۶ انواع زبان دوم انگلیسی^۷ و انگلیسی جدید؛^۸ درعین حال اصطلاحات سنتی‌تر نیز مانند انگلیسی به‌عنوان زبان دوم^۹ و انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی^{۱۰} نیز مشاهده می‌شود.

از یک منظر دیگر، عبارت زبان انگلیسی برای اشاره به گونه‌های جدید این زبان به‌کار می‌رود که در حوزه‌ی منطقه کارائیب و جوامع آفریقای غربی و شرقی، مثل نیجریه و کنیا و هم‌چنین مناطق آسیایی شامل هنگ‌کنگ، هند، مالزی، سنگاپور و فیلیپین استفاده می‌شود. در اغلب این مطالعات دسته‌ی دوم، تمرکز بر ویژگی‌های ملی یا منطقه‌ای انواع انگلیسی‌هاست و هدف، توصیف مستقل گونه‌های زبان انگلیسی است.

در رویکرد سوم، عبارت انگلیسی‌های جهانی به جریان گسترده‌ای از مطالعات اشاره دارد که به‌خصوص با نام پژوهشگرانی هم‌چون کاچرو^{۱۱} و کسانی عجین هستند که تخصص‌شان "حوزه انگلیسی‌های جهانی"^{۱۲} است. در این رویکرد براساس این تفکر، تکثر و شمول رویکردهای مختلف در خصوص مطالعه‌ی جایگاه زبان انگلیسی در سراسر جهان است و نه تنها به بررسی گونه‌های ملی و منطقه‌ای آن می‌پردازد، به موضوعات متعدد دیگری نیز توجه دارد که شامل موارد زیر هستند: زبان‌شناسی اجتماعی، نگارش خلاق، زبان‌شناسی انتقادی، تحلیل گفتمان، زبان‌شناسی پیکره‌ای، فرهنگ‌نگاری، آموزش، مطالعات زبان‌های کریول و جامعه‌شناسی زبان (Bolton, 2002، ص. ۷۵). آن‌چه در این مقاله بحث می‌شود، تبعاً در رویکرد سوم جای خواهد گرفت.

1. English as an international (auxiliary) language.
2. global English(es).
3. international English(es).
4. localized varieties of English.
5. new varieties of English.
6. non-native varieties of English.
7. second language varieties of English.
8. new Englishes.
9. ESL (English as a Second Language).
10. EFL (English as a Foreign Language)
11. Braj Kachru.
12. world Englishes paradigm.





از نظر تاریخی، توافق کلی وجود دارد مبنی بر این که مطالعه‌ی "انگلیسی‌های جهانی" از دو کنفرانس درباره‌ی انگلیسی به‌عنوان زبان جهانی (که در سال ۱۹۷۸ برگزار شد) نشأت گرفته است. چهره‌ی تاثیرگذار این کنفرانس‌ها "کاپرو" بود. در این کنفرانس‌ها محورهای زیر بررسی شدند: زمینه‌های اجتماعی و سیاسی انگلیسی در جهان، استفاده از انگلیسی در مستعمرات سابق آنگلوفون، فرایندهای "بومی‌سازی" و "فرهنگ‌زدایی" در چنین جوامعی و توصیف ساختاری انواع زبان انگلیسی (Kachru, 1985, ص. ۱۲).

۳. تحقیقات کاربردی صورت گرفته درباره‌ی زبان انگلیسی در بافت آموزشی و فرهنگی ایران

در سال‌های اخیر، آموزش زبان انگلیسی در جامعه‌ی ایران در چندین تحقیق مستند شده است. از جمله می‌توان به آثار ده‌مرده (۱۳۸۸)، فرهادی و همکاران (۲۰۱۰)، حیاتی و مشهدی (۲۰۱۰)، عطایی و مظلوم (۲۰۱۳)، برجیان (۲۰۱۳)، داوری (۲۰۱۳) و آفاکل‌زاده و داوری (۲۰۱۴) اشاره کرد. مطالعات کاربردی درباره‌ی آموزش زبان در ایران را می‌توان به مطالعات تاریخی، محتوایی، روش تدریسی و فرهنگی تقسیم نمود.

تاریخچه‌ی آموزش زبان‌های خارجه در ایران به دوران قاجار بازمی‌گردد. در آن‌زمان زبان فرانسه از اهمیت بیش‌تری برخوردار بود؛ اما با ورود مبلغان مذهبی و دیگر کارگزاران خارجی از انگلیس و تأسیس بنگاه ترجمه، مدرسه دارالفنون و مشیریه، زبان انگلیسی به تدریج جای‌گزين زبان فرانسه شد (Borjian, 2013, ص. ۱۸۹).

براساس ادعای ضرابی و براون^۱ (۲۰۱۵)، زبان انگلیسی از سه منظر مختلف در ایران بررسی شده است: پیش از انقلاب (قبل از سال ۱۹۷۸)، در طول انقلاب (۱۹۷۹-۱۹۸۱) و پس از انقلاب (۱۹۸۲ تا به امروز). در دوره‌ی اول، دیدگاه مثبت با تمرکز بر یادگیری واژگان نسبت به یادگیری زبان انگلیسی وجود داشت؛ در دوره‌ی دوم که به انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۸ بازمی‌گردد، انگلیسی به‌عنوان یک زبان خارجی یا بیگانه توصیف گردیده است (Borjian, 2013, ص. ۱۸۹). در دوره‌ی اخیر، برخلاف نظر قبلی، انگلیسی به‌عنوان ابزاری اساسی برای پیشرفت و ارتباط در نظر گرفته شده است که باید در برنامه‌ی درسی مدارس ایرانی گنجانده شود (Riazi, 2005, ص. ۱۰۸).

1. Brown.



داستان آموزش زبان انگلیسی در ایران به عنوان یکی از برجسته ترین کشورهای ضدامپریالیستی در جهان، فراز و نشیب های بسیاری را تجربه کرده است. انگلیسی از یک طرف به عنوان زبان دشمنان (ایالات متحده و انگلیس) شناخته می شود (Borjian, 2013، ص. ۱۸۹) و از سوی دیگر به عنوان ابزار پیشرفت (Riazi, 2005، ص. ۱۰۸). در حالی که حیاتی و مشهودی (۲۰۱۰) معتقدند سیاست ایران در مورد انگلیسی موجب عدم انتشار آن در سراسر کشور نمی شود، به ویژه در دهه های گذشته شاهد افزایش چشمگیر در تعداد ایرانیانی بوده ایم که انگلیسی یاد می گیرند. داوری (۲۰۱۳) معتقد است اوضاع به سرعت در حال تغییر جامعه ای ایران، یادگیری زبان انگلیسی را به یک مد تبدیل می کند؛ در نتیجه، آموزش زبان انگلیسی نه تنها یک بازار رونق بخش خصوصی است، بلکه نقش مهمی نیز در انتشار این زبان در کشور دارد.

برخی از مطالعات در خصوص آموزش زبان انگلیسی در ایران متمرکز بر کتاب ها بوده اند. در این میان می توان به فروزنده و فروزانی (۲۰۱۵) اشاره کرد. به نظر آن ها تاریخچه ای کتاب های درسی انگلیسی دبیرستانی در ایران به سال ۱۹۳۸ میلادی برمی گردد که کمیته ای مدرسین و اساتید ایرانی و آمریکایی تشکیل شد تا یک سری از کتاب های انگلیسی را منحصراً برای دبیرستان های ایران تهیه کند. کتاب های مدارس قبل از انقلاب متعلق به سال های ۱۹۳۹-۱۹۷۹ است و کتاب های تدوین شده ای بعدی در سه دوره قرار می گیرند: ۱۹۸۲-۹۰، ۱۹۹۱-۲۰۱۰ و سری جدید از ۲۰۱۲ تا به امروز.

در مقطع دانشگاهی در حوزه ای تهیه و تدوین کتاب های زبان انگلیسی تخصصی می توان به ایرانمهر و داوری (۱۳۹۶) اشاره نمود. آن ها معتقدند پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای تغییر بنیادین کتاب های حوزه ای علوم انسانی در عرصه ای دانشگاه ها، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) در سال ۱۳۶۴ تاسیس شد و با توجه به اهمیت کتاب های زبان انگلیسی تخصصی، کمیته ای زبان های خارجی در این سازمان برپا گردید. این کمیته تاکنون ۱۸۰ عنوان کتاب آموزش زبان انگلیسی در همه ای رشته های دانشگاهی، اعم از علوم انسانی و غیر آن را تهیه، تدوین و منتشر کرده است. در بخشی از مقاله، ایرانمهر و داوری (۱۳۹۶) می نویسند:

در مجموع، بررسی پیشینه ای تحقیق بیان گر آن است که به طور مشخص بزرگ ترین کاستی ها در روند تهیه و تدوین کتاب های زبان تخصصی و به طور مشخص کتاب های منتشر شده تا پیش از یک دهه ای پیش منتشر شده از سوی "سمت" را می توان در مواردی



چون ناهماهنگی بین ابعاد نظری و کاربردی در تهیه و تدوین کتاب‌های درسی، محدود شدن کتاب‌ها به مهارت خواندن و توجه نداشتن به دیگر مهارت‌ها، استفاده از قالب و تمرین‌های کلیشه‌ای و غیرانعطاف‌پذیر، بهره‌نبردن از راهبردهای کارآمد به‌ویژه راهبردهای ارتباطی، ارزش صوری اندک کتاب‌ها و بی‌توجهی به نیازسنجی و علایق فراگیران خلاصه کرد (ص. ۴).

ایرانمهر و داوری، کتاب‌های منتشرشده از سوی "سمت" را در سه دوره به‌شرح زیر تقسیم‌بندی می‌کنند: دوره‌ی اول، انتشار کتاب‌های زبان تخصصی به سال‌های نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۶۰ بازمی‌گردد و بیان‌گر تداوم الگویی واحد بر کتاب‌ها از نظر محتوا و ساختار تا اوایل دهه‌ی ۱۳۸۰ است؛ بدین معنا که از ابعاد مختلف محتوایی و ساختاری و به‌تعبیری نحوه‌ی مواجهه با متن، الگویی واحد و کلیشه‌ای بر آن‌ها حاکم بوده است. بررسی تعدادی از کتاب‌های منتشرشده در حوزه‌های مختلف در این دوره حاکی از آن است که رویکرد نخست (متن به‌مثابه ابزار تحلیل زبان) به‌عنوان شاکله‌ی اصلی این دسته از کتاب‌هاست. ایرانمهر و داوری (۱۳۹۶) معتقدند بررسی شماری از کتاب‌های منتشرشده در دهه‌ی ۱۳۸۰ مبین تغییر و تحولی در محتوا و ساختار آن‌هاست؛ تغییر و تحولی که به‌نحوی گذر از رویکرد متن به‌مثابه ابزار تحلیل زبان (رویکرد اول) و ورود به رویکرد متن به‌مثابه ابزار انتقال اطلاعات (رویکرد دوم) است. سرانجام، دوره‌ی سوم در دهه‌ی ۱۳۹۰ نشان از ظهور تغییرات نوآورانه تر "سمت" در ساختار و محتوای این دسته از کتاب‌هاست؛ تغییراتی که بررسی دقیق‌تر آن مبین گذر نسبی از رویکرد دوم و تجربه‌ی رویکرد سوم یعنی تجلی "متن به‌مثابه محرک تولید" است.

محور سوم مطالعات کاربردی در خصوص آموزش زبان‌های خارجی بر شیوه‌های تدریس آن‌ها تمرکز دارد. این مطالعات عناوین گسترده‌ای را از بررسی مبانی نظری یادگیری زبان گرفته تا تمرکز بر استراتژی‌های خاص در یادگیری مؤلفه‌های جزئی زبانی را پوشش می‌دهند. به‌طور کلی مطالعات این محور به سه دسته‌ی مطالعات رفتاری، شناختی و هیجانی تقسیم می‌شود. برای نمونه می‌توان به مطالعات محققانی هم‌چون کیوان‌پناه، علوی و شریفی (۱۳۹۴)، سرکشیکیان، طباطبایی لطفی و معماریان (۱۳۹۷)، آقاعلیخانی و مفتون (۱۳۹۸) اشاره کرد.

چهارمین محور عمده‌ی مطالعات کاربردی درباره‌ی زبان‌های خارجی به موضوع فرهنگ اختصاص دارد. مهران، ستوده‌نما و مرنندی (۱۳۹۴) معتقدند در حوزه‌ی آموزش



زبان انگلیسی، همواره بر سر تدریس فرهنگ و یادگیری‌اش اختلاف نظر وجود داشته است. از یک طرف کسانی معتقد به تدریس فرهنگ هستند و نه تنها اصرار بر تدریس آن دارند، بلکه آن را جزو لاینفک زبان می‌دانند؛ از سوی دیگر، کسانی هستند که با تدریس فرهنگ مخالفند. در عین حال، طبق نوشته‌ی حاجیانی (۱۳۸۸)، نگرش ایرانیان به فرهنگ‌های غربی یکی از ابعاد هویت مدرن آنان را شکل می‌دهد و این هویت مدرن و هویت ملی ایرانیان در کنار یکدیگر و بدون تداخل و تعامل قرار می‌گیرند. طبیعی است زبان انگلیسی به‌عنوان پرسامدترین زبان غربی در ایران نقشی محوری در پیدایش و تغییر وجوه مختلف این نگرش ایفا می‌کند. در میان تحقیقاتی که به بحث فرهنگ و آموزش زبان خارجی پرداخته‌اند، می‌توان به: تفرشی و رضانی واسوکلائی (۱۳۹۱)، لطفی‌پور ساعدی (۱۳۹۱)، عباسیان، کوه‌پایه‌زاده، و اصغرپور (۱۳۹۴) و زارعی، پورقاسمیان و خالصی (۱۳۹۷) اشاره نمود.

۴. روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی و بر مبنای تحلیل محتوا است. هدف از تحلیل، دستیابی به رهیافت برای موارد زیر بوده است: تعیین منظور از زبان خارجی در ایران، اولویت‌بندی زبان‌های خارجی در افق آینده‌ی نظام، بررسی سابقه‌ی آموزش زبان‌های خارجی در ایران، تشخیص تفاوت‌های فرایند آموزش زبان‌های خارجی در افق آینده‌ی نظام و شناسایی مهم‌ترین نقش‌هایی که برای زبان‌های خارجی در افق آینده‌ی نظام می‌توان در نظر گرفت.

مطالب تحلیل‌شده، ذیل چهار عنوان کلی زیر قرار گرفتند: نقش‌های زبان، اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران و مسأله‌ی زبان، رویکردهای مختلف برای توصیف و تحلیل زبان انگلیسی و تحقیقات کاربردی صورت‌گرفته در بافت آموزشی و فرهنگی ایران. فرایند یافتن پاسخ به سوال‌های این تحقیق شامل بررسی کیفی مطالب قابل دسترسی در پیشینه‌ی ادبیات و استخراج نکاتی بوده است که به‌صورت صریح یا تلویحی به موارد مذکور اشاره دارند.

۵. داده‌ها و بحث

در این بخش داده‌های مربوط به هریک از سوالات تحقیق و هم‌چنین تحلیل و بحث درباره‌ی آن‌ها به ترتیب ارائه شده است.



۵,۱. پاسخ به سوال اول

سوال اول عبارت بود از این که "منظور از زبان خارجی چیست؟" در پاسخ این سوال طبق مدل ارائه شده‌ی کاچرو (۱۹۹۲) وقتی کشوری نقشی در تعیین هنجارها برای یک زبان نداشته باشد، آن زبان در آن کشور، بیگانه یا خارجی محسوب می‌شود. بنابر این تعریف می‌توان گفت زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی در ایران زبان خارجی به‌شمار می‌آیند؛ البته مشخص است مناطق عرب‌زبان در ایران می‌توانند از این قاعده کلی مستثنا شوند.

۵,۲. پاسخ به سوال دوم

سوال دوم این بود که "کدام یک از زبان‌های خارجی در افق آینده‌ی نظام از اولویت آموزش و اشاعه برخوردارند؟" پاسخ به این سوال در برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱) به‌نحو زیر بیان شده است: «آموزش به یکی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و یا سایر زبان‌هایی که شورای عالی آموزش و پرورش تصویب کند، ارائه خواهد شد» (ص. ۳۸). چنان که در این سند مشخص شده است، زبان انگلیسی در میان زبان‌های خارجی دیگر از اولویت برخوردار است. طبق ادعای فیلیپسون (Phillipson, ۱۹۹۲، ص. ۳۵) کشورهای انگلیس و ایالات متحده، رهبران سیاسی و آژانس‌های فرهنگی آن‌ها (مانند شورای انگلیس و خدمات اطلاعاتی ایالات متحده) و همچنین خود سیاست‌گذاران آموزش زبان انگلیسی (که در کشورهای مرکزی و پیرامونی، در وزارت‌های آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، مراکز توسعه برنامه درسی و موارد مشابه بخشی از یک ساختار هژمونیک هستند) موجب تثبیت اولویت جایگاه زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی در سراسر دنیا و از جمله ایران شده‌اند.

برای واکنش به این ساختار هژمونیک راه‌های متفاوتی وجود دارد؛ به‌نظر می‌رسد شتاب‌زده‌ترین آن‌ها حذف این زبان از برنامه‌ی درسی رسمی کشورها است. چنان که شاهد بودیم در تاریخ ۱۳۹۸/۱/۱۹ طرحی از سوی ۶۷ نماینده با یک فوریت به مجلس ارائه شد. طبق گزارش خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۸/۰۷/۲۰): «صرف‌نظر از نگرانی‌هایی که در این باره در فضای مجازی مطرح شده است و برخی این طرح را به‌ضرر دانش‌آموزان و در ادامه‌ی سیاست‌های خصوصی‌سازی می‌دانند - که این روزها گریبان‌گیر آموزش و پرورش شده - اما به‌نظر می‌رسد نمایندگان امضاکننده‌ی طرح هنوز به‌طور کامل نسبت به جزئیات آن و آن چه قرار است اتفاق بیافتد، واقف نیستند و طرح رفع انحصار از زبان انگلیسی را نیازمند



۱۳

جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌گذاری فراگیری زبان‌های خارجی...

چکش کاری بیش‌تر می‌دانند؛ درعین حال امید چندانی هم به تصویب آن در صحن علنی مجلس ندارند!». این خبرگزاری در مصاحبه‌ای با یکی از معلمان به نقل از او می‌نویسد:

نمایندگان تأکید دارند به دلیل مسائل فرهنگی و هویتی، طرح رفع انحصار از زبان انگلیسی را ارائه کردند، اما این ادعا هم نمی‌تواند چندان دقیق باشد؛ چراکه در مدارس کتاب‌های زبان انگلیسی با نظارت آموزش و پرورش تهیه می‌شود و مطالب با هویت و فرهنگ ما همخوانی دارد، درحالی‌که در آموزشگاه‌ها الزاماً این اتفاق نمی‌افتد و تازه، بچه‌ها در کنار یادگیری زبان انگلیسی با فرهنگ آن کشور هم آشنا می‌شوند. (همان)

مطالبی که در پاسخ به سوال دوم ارائه شد، موید جایگاه حساس زبان انگلیسی در ایران می‌باشد، به نحوی که دست‌اندرکاران یکی از سه قوه‌ی اصلی کشور امروز درصدد تغییر این جایگاه هستند، حال محرک آن‌ها هرچه می‌خواهد باشد؛ چنان‌که شمس و شمسایی (۱۳۹۲) از فیشمن^۱ نقل می‌کنند، ترویج، چالش‌برانگیزترین مرحله‌ی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی است. طبق نتایج پژوهش شمس و شمسایی (۱۳۹۲) اگر پایداری و فراگیری در تعاریف نظری مربوط به این مرحله مورد توجه قرار گیرد، مشخص می‌شود راه درازی پیش پای مسئولان امر است. آن‌ها می‌نویسند:

شاید بتوان گفت مسئولان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی در ایران هنوز تصمیم محکم و واحدی برای میزان و چگونگی ترویج زبان انگلیسی در کشور اتخاذ نکرده‌اند. درحالی‌که برخی قوانین و سیاست‌ها در جهت گسترش این زبان در سرتاسر کشور صادر می‌شوند، برخی تصمیم‌گیری‌های مدیران و مسئولان ذی‌نقوذ در جهتی کاملاً مخالف یعنی محدود کردن گستره‌ی یادگیری و به‌کارگیری زبان انگلیسی در ایران عمل می‌کنند. ... گروه‌های سیاسی ایران هنوز به یک جمع‌بندی واحد در زمینه‌ی جایگاه و ارزش زبان انگلیسی به‌عنوان ابزار تعامل‌های بین‌المللی دست نیافته‌اند. (همان، ص ۷۲)

۵,۳. پاسخ به سوال سوم

سوال سوم این تحقیق عبارت بود از این‌که «سابقه‌ی آموزش زبان‌های خارجی در ایران چگونه بوده است؟» با توجه به این‌که مطالعات کاربردی در خصوص آموزش زبان در ایران، در چهار محور: مطالعات تاریخی، محتوایی، روش تدریسی و فرهنگی بوده است، پاسخ این سوال را باید در چهار محور فوق دنبال کرد.



در بستر مطالعات تاریخی آموزش زبان در ایران می‌توان به ریاضی (۲۰۰۵)، ده‌مرده (۲۰۰۹)، فرهادی و همکاران (۲۰۱۰)، حیاتی و مشهدی (۲۰۱۰)، برجیان (۲۰۱۳)، عطایی و مظلوم (۲۰۱۳) و آقاگل‌زاده و داوری (۲۰۱۴) اشاره کرد. برآیند مطالعات سیر تاریخی آموزش زبان در این مطالعات، مجموعاً این مسیر را در دو برهه‌ی قبل و بعد از انقلاب بررسی کرده‌اند. مقطع بعد از انقلاب تاکنون خود به دو مرحله‌ی دهه‌ی اول و پس از آن تا حال حاضر تقسیم شده است. ویژگی این دو برهه‌ی بعد از انقلاب، حاکمیت جو منفی اولیه در سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب و سپس چرخش و اقبال گسترده و روزافزون به زبان انگلیسی را نشان می‌دهد.

دسته‌ی دوم مطالعات درباره‌ی سابقه آموزش زبان انگلیسی در ایران مربوط به بررسی محتوایی کتاب‌هاست؛ برای مثال، فروزنده و فروزانی (۲۰۱۵) تاریخچه‌ی تدوین کتاب‌های درسی انگلیسی دبیرستانی در ایران را از آغاز، یعنی سال ۱۹۳۸ میلادی با تشکیل کمیته‌ی مدرسین و اساتید ایرانی و آمریکایی و سپس دوره‌ی قبل از انقلاب از سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۷۹ و سه دوره‌ی بعدی (۱۹۸۲-۹۰، ۱۹۹۱-۲۰۱۰ و سری جدید از ۲۰۱۲ تا به امروز) به تصویر کشیده‌اند. ایرانمهر و داوری (۱۳۹۶) نیز کتاب‌های زبان تخصصی سمت را طی سه دهه مطالعه کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که متأثر از پیشرفت‌های نظری در حوزه‌ی زبان انگلیسی برای اهداف دانشگاهی، به‌طور ملموسی تغییر و تحولات دو دوره را تجربه کرده‌اند و بر این باورند که در سال‌های اخیر، تجربه‌ی جدیدی از نظر تغییرات در محتوا و ساختار در حال وقوع است. به‌زعم ایرانمهر و داوری (۱۳۹۶) این امر بیان‌گر آن است که چه از نظر محتوا و چه از نظر شکل، با تغییرات و نوآوری‌های بسیاری در مقایسه با کتاب‌های دو نسل قبل روبه‌رو هستیم. در چرایی این تغییر می‌توان به الگوی مصوبی اشاره کرد که از نظر محتوا به ارائه‌ی رهنمودها و دستورالعمل‌هایی در خصوص چگونگی ارائه‌ی تمرین‌ها، توجه به راهبردهای خواندن، استفاده از مهارت‌های واژگانی و آموزش مؤلفه‌ی دستوری پرداخته و از نظر شکل یا قالب هر درس نیز ضمن تأکید بر تقویت ارزش صوری کتاب، به استفاده از تصاویر، نمودارها و دیگر ابزارهای دیداری توجه خاص کرده است.

محور سوم از سوال سوم در این تحقیق به چگونگی آموزش زبان‌های خارجی در ایران اختصاص داشت. تحقیقات در این زمینه (مثلاً خیرآبادی و علوی‌مقدم، ۱۳۹۸) به‌طور متفق‌القول بر ضرورت تغییر رویکرد سنتی، به رویکردهای ارتباطی در زمینه‌ی آموزش

زبان خارجی در سطح مدارس تاکید کرده‌اند. خیرآبادی و علوی مقدم (۱۳۹۸) معتقدند: تغییر رویکرد آموزشی، از سنتی به ارتباطی، مهم‌ترین تحول رخ داده در آموزش زبان‌های خارجی نظام رسمی آموزش و پرورش در سطح رویکرد و اهداف در بازه‌ی زمانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که با انتشار کتاب‌های ۱،۲ prospect از مجموعه‌ی شش‌جلدی English for School برای پایه‌ی هفتم و هشتم تحصیلی، به مرحله‌ی اجرای عملی درآمده است. (ص. ۶۲)

آن‌ها هم‌چنین بیان می‌کنند به دلایل مختلف، آموزش زبان‌های خارجی در کشور ما، در کنار وابستگی به نظام آموزش رسمی، تا حد زیادی از نقش‌آفرینان غیررسمی و بازار آموزش‌های آزاد تاثیر می‌پذیرد و این مؤسسات همگی مدعی استفاده از رویکردهای جدید و نوین آموزشی، به‌ویژه رویکردهای ارتباطی هستند. این‌گونه مؤسسات قدمتی بیش از ۶۰ سال در کشور دارند، اما به‌علت ماهیت غیررسمی یا نیمه‌رسمی این مؤسسات، آمارهای داده‌شده درباره‌ی آن‌ها متناقض و تا حدودی مخدوش به‌نظر می‌رسد و حتی درباره‌ی تعداد این مؤسسات، تعداد دانش‌آموزانی که به این کلاس‌ها دسترسی دارند، پراکندگی جغرافیایی آن‌ها، روش‌های آموزش و مواردی از این دست، اختلاف‌نظرهای فراوانی وجود دارد.

محور چهارم از مطالعات کاربردی در ایران بر موضوع فرهنگ و زبان‌های خارجی تمرکز دارد. تحقیقاتی که در زمینه‌ی جایگاه فرهنگ در آموزش زبان‌های خارجی در ایران انجام شده‌اند، در مجموع به دو موضوع اصلی پرداخته‌اند: یکی، بررسی بحث ایجاب یا نفی ضرورت آموزش فرهنگ و چالش‌های آن؛ و دیگری، بررسی راهکارهای آموزش فرهنگ. البته طبیعی است در دسته‌ی دوم تحقیقات، ایجابی بودن امر آموزش فرهنگ زبان بیگانه همراه با آموزش زبان بدیهی فرض شده است.

۵،۴. پاسخ به سوال چهارم

چهارمین سوال این بود که «فرایند آموزش زبان‌های خارجی در افق آینده نظام با گذشته چه تفاوت‌هایی خواهد داشت؟» در پاسخ به این پرسش، ابتدا باید به برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران مراجعه کرد. قسمت‌های مختلفی از این سند، فرایند جاری و هم‌چنین آتی آموزش زبان‌های خارجی را تا اطلاع ثانوی ترسیم کرده است. اول این‌که از لحاظ هدف‌گذاری کلان انتظار می‌رود «آموزش زبان خارجی علاوه‌بر کارکرد ارتباط میان‌فردی و بین‌فرهنگی، در توسعه‌ی اقتصادی مانند صنعت گردشگری، تجارت، فناوری،



۱۳



توسعه‌ی علم، و هوشیاری اجتماعی سیاسی مؤثر قرار گیرد» (برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱، ص. ۳۷). دیگر این که از نظر مهارتی «فرد پس از آموزش قادر به ایجاد ارتباط با استفاده از تمامی مهارت‌های چهارگانه‌ی زبانی (گوش کردن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) برای دریافت و انتقال معنا باشد. برنامه‌ی درسی آموزش زبان باید دانش‌آموزان را با پیکره‌ی زبانی، واژگان و ساخت‌های مورد نیاز برای برقراری ارتباط مؤثر و سازنده در سطح جهانی آشنا سازد (همان). از نظر صیانت از فرهنگ ملی و باورهای دینی نیز این سند تأکید می‌کند: «آموزش زبان‌های خارجی باید از دایره‌ی تنگ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌های تدوین‌شده در جهان فراتر رود و به‌عنوان بستری برای تقویت فرهنگ ملی و باورها و ارزش‌های خودی در نظر گرفته شود» (همان). موارد گفته‌شده، لزوماً در حال حاضر به‌طور کامل به‌دست نیامده‌اند؛ بنابراین انتظار می‌رود در آینده با توجه به تقویت زیرساخت‌های آموزشی و همچنین افزایش نیروی متخصص نیل به این اهداف تقویت شود.

علاوه‌براین، آموزش زبان در کشور به‌یقین در آینده با چالش‌های سیاسی و فرهنگی نیز روبه‌رو خواهد بود. بسته به این که کدام جناح زمام امور کشور را عهده‌دار شود، ممکن است اولویت سرمایه‌گذاری از سوی دولت برای آموزش زبان انگلیسی به زبان دیگری تغییر یابد؛ چنان که طرح تقدیمی اخیر به هیئت رئیسه‌ی مجلس از طرف عده‌ای از نمایندگان، مصداقی برای این گمانه‌زنی است. درعین حال، این رویه باید چنان قوی باشد تا بتواند با استیلای قدرت‌مند جهانی زبان انگلیسی هم‌آوردی کند. آن چه اکنون از شواهد برمی‌آید این است که زبان انگلیسی هم‌چنان از اولویت برخوردار خواهد بود.

با توجه به پیشرفت سریع انواع فناوری‌ها، در آینده شاهد سرعت، سهولت و دقت در آموزش زبان‌های خارجی خواهیم بود. پیشرفت‌های فناورانه به‌زودی شکل کلاس‌ها، مواد آموزشی و فرایند آموزش زبان را متحول خواهد ساخت. بنابراین انتظار می‌رود مراکز آموزش زبان بودجه‌هایی را در این راستا صرف نمایند. موضوع فناوری در آموزش زبان حتی ممکن است موجب ایجاد تحولات بنیادین‌تری شود؛ تحولاتی از جمله: برگزاری سمینارها، شکل‌گیری انجمن‌ها، ایجاد مجلات علمی و مهم‌تر از همه شکل‌گیری رشته‌های تخصصی دانشگاهی در مقاطع مختلف و به‌صورت میان‌رشته‌ای در این زمینه.

۵,۵. پاسخ به سوال پنجم

تعیین مهم‌ترین نقش‌های زبان‌های خارجی در افق آینده‌ی نظام، موضوع سوال پنجم این تحقیق بود. صرف‌نظر از این که کدام زبان خارجی در اولویت ترویج و حمایت نظام قرار دارد، نقش‌هایی که می‌توان برای آن‌ها در نظر گرفت باید براساس نیازسنجی استخراج شود و برای آن‌ها برنامه‌ریزی مدونی صورت بگیرد. براساس پیشینه‌ی تحقیقاتی که ذکر شد، می‌توان این نقش‌ها را براساس کارکردهایی که هالیدی (Halliday, 2002, ص. ۲۲) برای زبان در نظر می‌گیرد، تعریف کرد. مهم‌ترین نقش‌هایی که می‌توان در ایران برای زبان انگلیسی در نظر گرفت عبارتند از: عرضه^۱ و تقاضای^۲ دانش و اطلاعات. آموزش افراد در راستای این کارکردهای زبانی از مدارس شروع می‌شود و تا مقاطع تحصیلات تکمیلی ادامه می‌یابد. طبیعی است در این راستا مسأله‌ی ارتباط زبان و تفکر و فرهنگ نیز باید در سندهای چشم‌انداز همواره مورد توجه باشند. بنابراین، پرورش توانایی‌های انتقادی در مدرسان و فراگیران زبان خارجی از مهم‌ترین مواردی است که موجب صیانت مبانی ارزشی فرهنگی در مقابل رسوخ فرهنگ بیگانه می‌شود.

از نظر جامعه‌شناسی (وارداف و فولر، ۲۰۱۵) نیز می‌توان به تحلیل نقش زبان‌های خارجی در فضای عمومی^۳ پرداخت. مسلماً در فضای عمومی، از قبیل آگهی‌های تبلیغاتی، بیل‌بوردها، تابلوها و علائم راهنمایی، زبان‌های خارجی در کنار زبان فارسی ایفای نقش می‌کنند. بنابراین، نظارت بر این عرصه و هدایت صحیح آن می‌تواند در میزان تاثیرگذاری‌اش تعیین‌کننده باشد.

بالاخره باید اشاره کرد زمینه‌های زیر در افق آینده‌ی نظام به توجه نیاز دارد: پایش و اصلاح دائم سیاست و برنامه‌ریزی آموزشی زبان‌های خارجی، به‌روزنمودن شیوه‌های آموزش، پتانسیل موجود کارشناسان این رشته در گرایش‌های مختلف، ارتقای فرایند و دستاوردهای پژوهشی در این حوزه، گسترش فعالیت‌های ترجمه، استفاده از فناوری مدرن و ایفای نقش در گستره‌ی بین‌المللی زبان‌های خارجی به‌عنوان دارایی بشر و نه صرفاً زبان مادری یک منطقه خاص.

1. Informative.
2. Heuristic.
3. Linguistic landscape.



نتیجه

زبان، محملی برای جریان نرم و مسالمت‌آمیز قدرت است و از این‌رو فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ همواره از آن برای گسترش سلطه و نفوذ خود بهره برده‌اند. در همین‌راستا، فرهنگ آنگلو ساکسونی غربی از طی دوره‌ی مدرن به کمک گسترش زبان انگلیسی در بخش‌های بزرگی از جهان به گسترش استعمار خود پرداخت و باعث تضعیف فرهنگ‌ها و ملت‌های کوچک‌تر شد. راه مقابله با این امر، سیاست‌گذاری زبانی است. کشورها با اتخاذ سیاست‌های مختلف سعی می‌کنند علاوه بر برخورداری از زبان خارجی و استفاده از آن برای ارتباطات بین‌المللی طوری برنامه‌ریزی کنند که کم‌ترین آسیب فرهنگی را ببینند.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم در بخش توصیه‌های مربوط به علم و پژوهش تأکید نموده‌اند که «ما به سوءاستفاده از دانش مانند آن‌چه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم». در همین‌راستا، سیاست‌گذاری‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در رابطه با جایگاه زبان‌های خارجی به‌عنوان ابزاری برای نیل به اهداف علمی و پژوهشی مطرح بایستی به‌نحوی باشد که رهنمودهای بیانیه‌ی گام دوم حتماً مدنظر قرار گیرد.

در ایران بعد از انقلاب نیز به‌دلیل بی‌توجهی مسئولان ذی‌ربط و تأکید بیش از حد بر آموزش زبان انگلیسی، چه از طریق نهادهای دولتی و چه نهادهای خصوصی، آموزش زبان‌های دیگری مثل آلمانی، فرانسه، روسی و غیره در حاشیه قرار گرفت و این امر باعث بروز مشکلاتی شد. امید است سیاست‌گذاری‌های زبانی آتی نظام به‌گونه‌ای باشد که در کنار زبان انگلیسی، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، و فراگیری زبان‌های مهم دیگر در دستور کار قرار گیرد.



منابع

- آقاعلیخانی، ح. و مفتون، پ. (۱۳۹۸). برنامه آموزش زبان انگلیسی تاثیر برنامه بر شناخت دبیران مبتدی و با تجربه ایرانی. در: پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۹، شماره ۲، صص. ۶۰۹-۶۲۸.
- ایرانمهر، ا. و داوری، ح. (۱۳۹۶). جریان‌شناسی تهیه و تدوین کتاب‌های زبان انگلیسی تخصصی «سمت»: تجربه‌ی سه رویکرد مواجهه با مهارت خواندن در قالب متن به‌مثابه «ابزاری زبانی»، «ابزار انتقال اطلاعات» و «محرک تولید». در پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۲۱، شماره ۱، صص. ۱-۲۵.
- رستم بیگ تفرشی، آ. و رضایی واسوکلائی، ا. (۱۳۹۱). نقش فرهنگ در آموزش زبان خارجی. در پژوهش‌نامی انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال دوازدهم، شماره ۱، پیاپی ۲۴، صص. ۱۵-۳۴.
- حاجیانی، ا. (۱۳۷۹). تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه. در مطالعات ملی، سال ۲، شماره ۶، صص. ۱۹۳-۲۲۸.
- خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۵/۰۲/۱۳). بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/print-content?id=32970>
- خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۷). بیانیه‌ی گام دوم. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۸/۰۷/۲۰). جنجال‌های طرح مجلس برای شکستن انحصار از زبان انگلیسی، اجتماعی، فرهنگیان و مدارس.
- خمینی، ر.ا. (۱۳۷۸). صحیفه امام خمینی. تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- خیرآبادی، ر. و علوی‌مقدم، ب. (۱۳۹۸). فرصت‌ها و چالش‌های فراوی آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزش رسمی ایران. در پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۹، شماره ۱، صص. ۵۳-۷۰.
- زارعی، غ.ر؛ پورقاسمیان، ح. و خالصی، م. (۱۳۹۷). جهت‌داری فرهنگی زبان انگلیسی در فرایند جهانی شدن: بررسی و تحلیل محتوای کتب آموزشی اینترنتی. در زبان‌پژوهی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص. ۱۵۱-۱۷۸.
- خبرگزاری عصر ایران (بی‌تا). طرحی در مجلس برای حذف زبان انگلیسی از مدارس. قابل دسترس در: <https://www.asriran.com/fa/news/693200>
- سرکشیکیان، ا.ح؛ طباطبایی لطفی، ع. و معاریان، م. (۱۳۹۷). ساخت و روایی‌سنجی پرسش‌نامه‌ی راهبردهای خودنظم‌بخشی در مهارت شنیداری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجه. در پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۸، شماره ۲، صص. ۶۲۶-۶۰۳.
- شمس، م.ع. و شمسانی، س. (۱۳۹۲). سیاست‌گذاری‌های زبان خارجی و ارتباط آن با هویت ملی: نگرش معلمان زبان انگلیسی. در مطالعات ملی، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص. ۵۱-۷۵.



- عباسیان، غ.ر؛ کوهپایه‌زاده، م. و اصغرپور، غ. (۱۳۹۴). نگرش زبان‌آموزان ایرانی نسبت به فرهنگ زبان‌های مقصد و مبدأ. در پژوهش‌های آموزشی و کاربردی زبان انگلیسی، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۱۶، صص. ۱-۱۹.
- علوی، م؛ کیوان‌پناه، ش. و شریفی، ا. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی چگونگی آموزش زبان انگلیسی ویژه گردشگری در دانشگاه‌های کشور. در پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۲، صص. ۳۵۳-۳۷۴.
- لطفی‌پور ساعدی، ک. (۱۳۹۱). فرهنگ و آموزش زبان. در پژوهش‌های آموزشی و کاربردی زبان انگلیسی، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۱۱، صص. ۸۵-۱۰۱.
- متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۸). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. قابل دسترس در:

https://www.majlis.ir/fa/content/iran_constitution

- مهران، پ؛ ستوده‌نما، ا. و مرندی، س. (۱۳۹۴). دیدگاه‌های زبان‌آموزان در مورد مفهوم فرهنگ و بازتاب آن در آموزش زبان انگلیسی به دانشجویان ایرانی. در زبان‌پژوهی، شماره‌ی ۱۷، صص. ۱۴۳-۱۷۴.
- نوروززاده، ر. و مقدسی، ج. (۱۳۸۹). سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی در ایران با تأکید بر برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. در نامه‌ی آموزش عالی، شماره‌ی ۱۱، صص. ۳۹-۶۲.
- برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۱). شورای عالی آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. سند ضمیمه شده به نامه شماره ۹۸/۹۰/۲۷ به تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۸، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. در نامه‌ی آموزش عالی، سال سوم، شماره یازدهم، پاییز.
- Allsopp, R. (1996). *The dictionary of Caribbean English usage*. Oxford: Oxford University Press.
- Aghagolzadeh, F. & Davari, H. (2014). Iranian critical ELT: A belated but growing intellectual shift in Iranian ELT community. *Journal for Critical Education Policy Studies*, 12/1, P 391-410.
- Ataee, M. R. & Mazloom, F. (2013). English language teaching curriculum in Iran: Planning and practice. *The Curriculum Journal*, 24/3, P 389-411.
- Bolton, K. (2002). *World Englishes: approaches, issues, and debate*. Paper presented at: *The 11th International Association of World Englishes (IAWE) Conference*, University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Borjian, M. (2013). *English in post-revolutionary Iran: From indigenization to internationalization*. Bristol: Multilingual Matters.
- Crystal, D. (1988). *The English language*. London: Penguin Books.
- Crystal, D. (1995). *The Cambridge encyclopedia of the English language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Davari, H. & Aghagolzadeh, F. (2015). To Teach or Not to Teach? Still an Open Question for the Iranian Education System. In C. Kennedy (ed.), *English Language teaching in the Islamic Republic of Iran: Innovations, trends and challenges* (P13-22). London: British Council.





- Davies, A. & Elder, C. (2004). *Handbook in Applied Linguistics*. Blackwell: Malden, MA.
- Hayati, M. & Mashhadi, A. (2010). Language planning and language-in-education policy in Iran. *Language Problems and Language Planning*, 34(1),P24-42.
- Farhady, H.; Sajadi Hezaveh, F. & Hedayati, H. (2010). Reflections on Foreign Language Education in Iran. *TESL-EJ* 13/4. Available online at www.tesl-ej.org/wordpress/issues/volume13/ej52/ej52a1.
- Feroozandeh, E. & Forouzani, M. (2015). Developing school English materials for the new Iranian educational system. In C. Kennedy (ed.), *English language teaching in the Islamic Republic of Iran: Innovations, trends and challenges* (P. 59 – 72). London: British Council.
- Halliday, M.A.K. (2002). *Linguistic studies of text and discourse*. London: Continuum International Publishing.
- Jakobson, R. (1960). Concluding Statement: Linguistics and Poetics. In: *Style in Language*, T.Sebeok (Ed.). Cambridge: MIT Press.
- Kachru, B. B. (1985). Standards, codification and sociolinguistic realism: the English language in the outer circle. In: R. Quirk & H. G. Widdowson (eds.), *English in the world: teaching and learning the language and literatures* (P. 11-30). Cambridge: Cambridge University Press.
- Kachru, B. B. (1992). *World Englishes: approaches, issues and resources*. *Language Teaching*, 25, P 1-14.
- Halliday, M. A. K.; MacIntosh, A. & Strevens, P. (1964). *The linguistic sciences and language teaching*. London: Longman.
- Hornberger, N. (2006). Frameworks and Models in Language Policy and Planning. In T. Ricento (Ed.), *An Introduction to Language Policy: Theory and Method*,P24-41. New York: Blackwell Publishing.
- Murray, J. A. H. (ed.) (1884-1928). *A new English dictionary on historical principles*. Oxford: Oxford University Press.
- Pennycook, A. (1994). *The cultural politics of English as an international language*. London: Longman.
- Phillipson, R. (1992). *Linguistic imperialism*. Oxford: Oxford University Press.
- Riazi, A. (2005). The four language stages in the history of Iran. In Lin, A. & Martin, P. (eds). *Decolonization, Globalisation: Language-in-education Policy and Practice*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Wardhaugh, R. & Fuller, J.M. (2015). *An introduction to sociolinguistics*. (7th ed.). Oxford: Blackwell.
- Zarrabi, F. & Brown, J.R. (2015). English language teaching and learning analysis in Iran. *World Academy of Science, Engineering and Technology International Journal of Educational and Pedagogical Sciences*, 9 (10),P 3485 – 3493.



سال بیست و دوم / شماره هشتاد و هفتم / پاییز ۱۳۹۸

References

- Agha Ali Khani, H., & charmed, P. (1398 SH). English Language Teaching Program The Impact of the Program on the Recognition of Beginner and Experienced Iranian Teachers. In: Linguistic Research in Foreign Languages, Volume 9, Number 2, pp. 609-628.
- Iran Mehr, A., and Davari, h. (1396 SH). The Process of Preparing and Editing Specialized English Language Books: The Experience of Three Approaches to Exposing Textual Reading Skills as a "Language Tool", a "Tool" Information Transfer "and" Production Motivation. "In Research and Writing Academic Textbooks, Volume 21, Number 41, pp. 1-25.
- Rustam Bek Tafreshi, A., and Ramadan Vasoklai, A. (1391 SH). The Role of Culture in Foreign Language Teaching. In The Critical Review of Humanities Texts and Programs, Volume 12, Issue 1, 24, p. 15-34.
- Hajiani, A. (1379 SH). Sociological Analysis of National Identity in Iran and Multiple Hypotheses. In National Studies, Volume 2, Number 6, p. 193-228.
- Khamenei, A. (13/02/1395). Statements at the Teachers and Cultural Meetings. Available at: <http://farsi.khamenei.ir/print-content?id=32970>.
- Khamenei, A. (1397 SH). The second step statement. Available at: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- Tasnim News Agency (20/07/1398). The controversy of the House plan to break the monopoly of English, social, cultural, and school language.
- Khomeini, R.A. (1378 SH). Imam Khomeini. Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute.
- Kheirabad, R., and Alavi Moghadam, B. (1398 SH). Opportunities and Challenges for English Language Teaching in Iranian Formal Education System. In Linguistic Research in Foreign Languages, Volume 9, Number 1, pp. 53-70.
- Zarei, Gh .; Pargasemian, H. And pure, M. (1397 SH). Cultural Orientation of English in the Process of Globalization: An Interviewing Content Analysis of Educational Books. In Language Studies, Volume 10, Number 29, p. 151-178.
- Iran Era News Agency (n.d.). A plan in parliament to remove English from schools. Available at: <https://www.asriran.com/fa/news/693200>
- Sarkeshikian, A.H; Tabatabai Lotfi, A.S., and Memari, M. (1397 SH). Development and Validation of a Self-Regulatory Strategies Questionnaire on Listening English Skills as a Foreign Language. In Linguistic Research in Foreign Languages, Volume 8, Number 2, pp. 626-603.



- Shams, C.F., and Shamsai, Q. (1392 SH). Foreign Language Policy Making and its Relation to National Identity: English Teachers' Attitudes. In National Studies, Fourteenth Year, No. 55, p. . 51-75.
- Abbassian, etc.; And Asgharpour, Gh. (1394 SH). Attitude of Iranian learners towards culture of target and source languages. In Educational and Practical Research in English, Volume 8, Number 16, pp. 1-19.
- Alavi, M., Keyvanpanah, Sh. And Sharifi, A. (1394 SH). The Pathology of Teaching English for Tourism in Iranian Universities. In Linguistic Research in Foreign Languages, Volume 5, Number 2, pp. 353-374.
- Lotfi Pour Saedi, K. (1391 SH). Culture and language education. In Educational and Practical Research in English, Volume 5, Number 11, pp. 85-101.
- Full text of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. (1368 SH). Majlis Research Center. Available at:
https://www.majlis.ir/fa/content/iran_constitution
- Mehran, C., Sotodenama., and Marandi, Q. (1394 SH). Students' views on the concept of culture and its reflection in teaching English to Iranian students. In Language Studies, No. 17, pp. 143-174.
- Norouzzadeh, R., and Holy, C. (1389 SH). Educational Policy and Planning in Iran with Emphasis on Fourth Economic, Social and Cultural Development Plan. In Higher Education Letter, No. 11, p. 39-62.
- National Curriculum of the Islamic Republic of Iran. (1391 SH). Higher Education Council, Ministry of Education of the Islamic Republic of Iran. Document attached to Letter No. 27/90/98 dated 28/12/1391, Economic, Social and Cultural Development. In the Letter of Higher Education, Third Year, No. 11, Fall.

